Illustrated linguistic heritage on potteries of 6 and 7 centuries (A.H.)

Mahin Sohrabi Nassirabadi, Ph.D
Assistant Professor, Sohrabi_n@yahoo.com
Ghazal Heidari
M.A. Candidate of Traditional Arts, Alzahra University

Abstract:
The relationship between literature, art, and operational objects and in this way with the users is the subject that in some crafts like pottery which are so operational could be seen. These objects, as a documentary without any distortion could transfer the science, culture, and historical information. They are also recognized as examples of written and lingual heritage. The pottery of 6 and 7 centuries A.H. especially the luster wares have some motifs derived from the literature of that time, for example the story of »Leila and Majnoun « and »Bahram gour and Azadeh « and pottery's inscriptions, so it's important to study them in the aspect of art and literature. The Persian poetries that were written on these potteries included Quatrain, Ode, etc. They were written with different kinds of lines and subjects like epic, social, critical, romantic, mandatory and mystical. These poetries were written by famous or anonymous poets of that time and drew by potters. The literature was progressed during that time and the outbreak of Sufism in society and the mass production pottery with Persian poetry was popular, therefore these inscriptions are available as intact documents that had no alteration of written manuscripts, so they can be used for understanding the nature of language of that time.

This descriptive research with this hypothesis and by following the meaning and the value of aesthetics of inscriptions with different subjects in static society of pottery with inscription is analyzing the literary features and changes in those centuries. Finally it finds the different aspects and changes in different kinds of literature, literary approaches, and literary changes in method and taste.

Keywords: Potteries of 6 and 7 centuries A.H., Literature, Lingual Heritage, Inscription.
میراث زبانی مصور در سفالینه‌های قرون ششم و هفتم هجری
مهمه سهرابی نصیرآبادی
استادیار دانشگاه الزهرا
poetry_of_being@yahoo.com
غلز حیدری
دانشجوی کارشناسی صنایع دستی، دانشگاه الزهرا
poetry_of_being@yahoo.com

چکیده
ارتباط ادبیات با آثار هنری و اشیای کاربردی و از آن طریق با جامعه کاربر بخصوص هنرمندان و هنرمندان نورسوز اثر آثار، از جمله سفالینه‌ها که اسپان بسیار کاربردی انده و نمود یافته است. این آثار به طور مستند و بدون تحقیف ایزابت انتقال دانش درگیر اساطیر و اطلاعات تاریخی اند و می‌توان آنها را نمونه‌ای از میراث خاطی و زبانی محسوب کرد. سفالینه‌های قرون ششم و هفتم هجری قمری، بالاخره یک راه حل قومی به سبب وقوع برخی از ادیبات زمانه خوش همچون دانستن «بلی و مجتن» و «هرام گور و آزاده» که به لحاظ هنری و ادبی در دوره پیشرسی و مطلعه هستند، اشعار فارسی متداول در این سفالینه‌ها شامل انواع مختلف شعر مانند رباعی، غزل، ملیعم، و... است که با خطوط گوناگون و مضامین مختلف حماسی، اجتماعی، انتخابی، عشقی، حکیمی و عرفانی نگاشته شده اند. این اشعار توسط شاعران مشهور به می‌گویان دوران سروده شده و توسط سفالگران بر سفالینه‌ها نقش بسی از این کار باعث بروز این ادبیات تبدیل به یکی از وسایل ادبیاتی در این دوره می‌گردد. شعر رزاق در این داستان می‌باشد که در این روزگار که این آثار از طریق و ترجمه و تفسیر می‌شوند، این آثار به نمایش این کتاب و در تهیه به نگاه‌های متفاوت و تغییرات شیوه‌های شعر و هفتم هجری قمری ادبیات، میراث زبانی، کتابیه.

کلیدواژه: سفالینه‌های قرون ششم و هفتم هجری، ادبیات، میراث زبانی، کتابیه
مقدمه

در تاریخ هنر ایران، همواره ارتباط تنگانگی میان ادبیات و هنر[های تجسمی] و بالاخص نقاشی وجود داشته است. اگر اشیا کاربردی را همان‌گونه که برخی هنرمندان انتخاب‌های‌ند و یک نقاشی بدانند، «ظروف» که بیشترین ارتباط را با کاربرد خوشش دارند، می‌توانند بستری برای انتقال داشتند. و فرهنگ و اطلاعات باشند. این آثار مستند به تحقیف این کار را انجام می‌دهند و با توجه به حضور ادبیات در بیشتر کتیبه‌های تزیینی، نمونه‌هایی از میراث خلفی و زبانی مستند. در این تدوین با تکیه بر این فرض، جدی نمونه‌ای از جامعه آماری سفالی‌های کتیبه‌دار قرن شش و هفتم هجری بررسی شده است تا در روشی توصیفی، شاخص و ملاک‌هایی از میراث خلفی و زبانی آن دوره به دست آید.

کتیبه‌های قرون یکم تا نهم و صنایع دستی به عنوان عنصر تزیینی در ایران پس از اسلام قدمتی دریافتند. این کتیبه‌ها که به صورت گسترده و منفوع در آثار عمومی، فلزات، نساجی، و بالاخص سفالینه‌ها تقدیم به استند، گنجینه‌ای غنی برای شناخت میراث خلفی و زبانی محسوب می‌شوند که از دید بسیاری از پژوهشگران دور مانده‌اند.

کتیبه‌های متشق بر سفالی‌های قرون اولیه اسلامی به زبان عربی و خط کوفی ند و مضمون‌شن آیات و احادیث و عبارات دعایی برای صاحب ظرف است. مشهورترین این ظروف، ظروف نیشابور متعلق به قرن سوم و چهارم هجری است. اولین سفال مزین به شعر فارسی نیز متعلق به قرن چهارم هجری است و از نیشابور به دست آمده است. این شعر مضمون‌ش دعا براي صاحب است و به خط نسخ نگاشته شده است: 

«تغدا بادا جهان آفرین
به هر چا که باشد خداوند این»

(قوچانی1371:311). 

این بیت شعر در سده‌های ششم و هفتم هجری بر صدها کاشی و سفال دیگر نیز آمده است. ظهور شعر فارسی بر سفالینه‌ها متاثر از عوامل متعددی بوده است. یکی از مهم‌ترین علل آن جایگزینی تدریجی زبان فارسی با زبان عربی است که در قرون اولیه پس از اسلام زبان رسمی و علمی ایران محسوب می‌شد.

باب‌های زبان فارسی که از اواست قرن سوم تا قرن چهارم هجری به وسیله شاعران و نویسنده‌ها برگز مارا ال‌نهر، خراسان و سیستان در شعر و نثر بریزی شده بودن از سبب فتوحات گسترده غزنویان و سپس سلجوقیان از ماوراء‌النهر از سواحل مدیرانی و از کناره‌های
دجله تا آن سوى رود سند و پنجب گسترگ و رسمیت بافت و زبان عربی را در مقام تنها زبان جوامع فرهیخته و ادبی خارج می‌بود. از صحنه راند (باپورک و همکاران، ۱۳۹۰: ۷۲). نهضت ساخت مدارس متعدد که از قرن چهارم هجری آغاز شده بود و با ساخت نظامه‌های متعدد توسط «خواج نظام الملك»، وزیر توالت سلجوقیان بالاترین سطح آموزش علوم مختلف، خصوصاً علوم مذهبی، ادبی و... را در قرون بی‌پنجم و ششم هجری شکل داد. عالمان و شاعران بسیاری را پروراند که از آن جمله می‌توان به امام محمد غزالی، خطیب شیرازی، الپوری، ووطاوی، صدرالدین خنجه‌کی، اندیکی، سعدی، جامی، و سیاری ذکر کرد.

از اوایل قرن چهارم هجری علما و دانشمندان نظام ابوريحان و ابن سينا به تأثیرک و들에게 می‌آمد. به زبان‌های فارسی پدراینده و این امر سبب گسترش داریابی‌های نخست دیگر می‌شود. (صفرات، ۱۳۶۴: ۳۲۶).

از دیگر علّش رشد فرهنگی، علمی، ادبی، هنری، علاقه سلامتی و وزارت امور و جنگ تروتندی به شعاران و هنرمندان و حمایت و جلب آنان در دستگاه‌های حکومتی خود بود. بسیاری از سلامتی و امور خود نیز دستی در شعر و ادب داشتند و از هم‌نشینی با شاعران لذت می‌بردند و یا آن‌ها روزگار می‌گذرانند. به سوی حمایت دستگاه‌های حکومتی سبب شویی عموم مورد به تحلیل علمی و ادب و هنر شد.

از اوایل قرن چهارم هجری شعر و نثر پارسی به خانقاه‌ها که محل اجتماع صوفیان بود و هم‌چنین به دلایل سویه روی کرد. مفاهیم صوفیانه به زبان ساده‌ای که برای همگان قابل فهم بود به شکل شعر مطرح شد و در میان توده مردم راه یافت. از آن جا که بسیاری از افراد جامعه جذب حلقه‌های تصفی شدند، شعر به زبان مشترکی برای مطرح کردن مسائل مختلف بدل شد و سبک‌های ادبی مختلف به وجوه آدم و مضمونان مختلفی در شعر مطرح شد.

قرن چهارم تا هفتم هجری از جمله دوره‌های نادر در زمینه تریپک و رشد زبان و ادب فارسی محصول می‌شود و سبک شعر فارسی در این دوره از هم‌نظر در سیر تکاملی و مقولون به نوع و تحویل است (همان، ۱۳۳۵).

از دیگر ویرگی‌های سده‌های چهارم تا هفتم هجری در ایران گسترش و اعتیاد شتافت و بازگاندن در شهرها و سلاسل (نیکخواه و همکاران، ۱۳۹۰: ۱۱۵). در این دوره هنرها صنایعی چون نساجی، فلزکاری و سفالگری در زمینه مهارتی فی امواج رشیدند. با لحاظ هنر سفالگری سلجوقی، دوره سلجوقی عصر زرین سفالگری اسلامی محصول می‌شود. علت پیشرفت سفالگری در این دوره ابتدای نوعی بندی جدید مشابه به «خمیر سنگی» است که از پودر کوارتر (خاک سفید و نرمی که در اطراف کاشان یافت می‌شد) و پناس ساخته می‌شد و پس از پخت بندنای
مرغوب، نازک، مستحکم و یک‌وکت‌خونه به دست می‌داد که به علم همچنین بودن با لعاب امکان اصلاح برداخت فنی تولیدات را ممکن می‌کرد و سبب ایجاد تکنیک‌های مبنا، ۲ تلفیقی زیر
لبا و همچنین ارتقای سیک زینت قام شد. روان سفالی‌های تاریخی و امپاشده توسط سفالگر
نشانگر شان اجتماعی بالای سفالگر و وضع درخشان سفالگری این دوره است.

پیشرفته ادبی، تکامل یافته‌های سفالگری و گسترش صلیف در میان تأم افراد جامعه،
موجب پیدایش تنویع ملهم از آدیبات و اشعار مختلف بر روی سفالی‌های شد. "خاطر رکاری
بودن نقوش و نوشته‌ها و فضان واقعی اهداف‌های باعث خاص، نشان می‌دهد که سفالگر جز
در محدودی از موارد استانداری، طبق سفارش ویژه حمامی بلندی‌به ساخته‌اش‌نشده‌اند، بله
فراورده‌های تجاری و متکی به یک بازار طبقه توسط بویده‌اند" (واتسون، ۱۳۹۰:۱۱).

بررسی نمونه‌ها

تعداد کثیر سفالی‌های کتاب‌شده در سراسر ایران تا این‌زمان به‌دلیل استفاده روزمره از این
ظرف است که خود خور اساسی سفالگری و کاربران با ادبیات زبان خوش و روحیه‌ای و
سیله طبقه متوسط جامعه در موردگر است. چنان‌که بزرگ‌های یکدره‌های متقوش بر سفالی‌های
با صورت‌های گرد همچون قرص ماه و آشفت ظرف صورت و گیسوان بند از می‌باید
قدیمی زبانی از تاریخ ایران و نشانگر زیبایی‌شناسی آن دوره است و این ویژگی‌ها در توصیف
"پاره" در اشعار فارسی به فراوانی پافت می‌شوند.

برخی نقوش سفالی‌های نیز برگرفته از داستان‌ها و اشعار فارسی اند. به طور مثال تصویر
۱ متعلق به بسیاری از زرین‌فامی است که در "مجموعه دیوید" ۲ نگهداری می‌شود و به "منظور
مکتب‌خانه" مشهور است. نقش این بسیار با دقیت و مهارت خاصی ترسیم شده است. این
تصویر در وسط مالایی "رحم‌بسطی" را نشان می‌دهد که شاگردان مکتب‌خانه و یا حلقه‌بازه اند,
این شاگردان لوح‌هایی به دست دارند که روی آنها تکیبات ساده حروف نوشته شده است.
درست بالای سر مالای نشسته، دو تن از شاگردان، صورت خود را به طرف یکدیگر برگردانده اند
که [برخی] حدس می‌زنند این صحنه شاید اولین ملاقات لیلی و مجنون در مکتب‌خانه را به
تصمیم کشیده است. این دو همان عشاقی اند که معروفشان روايت عشق غم‌انگیز آن‌ها را
نظامی به سال ۵۸۵ به نظم درآورده است. شاید بتوان گفت این بسیاری بلافاصله بعد از آن
ساخته شده است" (همان، ۵۵).
عمارت زیبای مصور در سفالینهای قرون ۶ و ۷ هجری | سهرابی نصرآبادی و حیدری

تصویر ۱. بشقاب زینت‌های متعلق به قرن ششم هجری در مجموعه دیوید (مختصر:

www.davidmus.dk).

تصویر ۲. کاشی مینایی با نقوش در سفالینهای قرن چهارم و پنجم هجری در موزه متروپولیتن (مختصر:

www.metmuseum.org).
نمونه دیگر (تصویر ۲) کاسه مینایی منقوش به داستان «بهرام گور و آزاده» است که در «موزه متروپولیتن» نگهداری می‌شود. در تصویر سازی این اثر تلاش شده تا داستان به صورت خلاصه-شده نشان داده شود، بنابراین آزاده هم نقش بر زمین و هم سوار بر شتر تصویر شده است. لباس آزاده سوار بر شتر با لباس آزاده افتاده بر زمین متفاوت است و تیر هم در کمان دست بهرام دیده می‌شود و هم گوش و پای آهو را به هم دوخته است.
سرآغاز پیدایش داستان‌های منظوم عشقي و تمثیلی را از ابتدا دوره سلجوقیان و از منظومه مشهور وسیس و رامین سروده فخرالدین اسعد گرگانی دانسته‌اند. منظومه‌های محدودی در این دوره نوشته شده و حضور این داستان‌ها بر سفالینه‌ها نشان از آشنایی افراد جامعه با ادبیات زمانه خوشن و اقتراح سلیقه ادبی آن‌ها دارد.
ظهور اشعار فارسی بر سفالینه‌ها دو دوره سلجوقیان، همانطور که در ابتدا اشاره شد، ریشه در قرن چهارم هجری دارد. اما استفاده از اشعار فارسی در قرن چهارم و پنج هزار سیبیار محدود بوده است. در اوایل قرن پنج هزار تزین کوزه‌ها و قلم‌های مخصوص نگهداری آب با یک بیت شعر با مشخص مرتبط با آم معمول شد: «آب خوشتر هزار باره ز می و من امکا کل شی حی.»
این بیت متعلق قصیده‌ای از «عطاء رازی» معروف به «تاناکوک» است که در سال ۱۲۷۱ ق. در گذشتگی است. او به روایت متوکدی پس از اظهار ندادن از شرب خمیر این قصیده را سروده است (خوچانی، ۱۳۷۳: ۲۷–۳۲).
با گسترش زبان و ادب فارسی، تصویر و رواج تکنیک‌های نوین سفالگری، بالا‌الخص لباس زرین فام در قرن ششم هجری، نگارش کفی‌هنگی شعر فارسی به مرور پرگنتر شد و اشعار مفاهیم جدید تری پایتخت.
خاندان «ابوظهر کاشانی» که در قرون ششم و هفتم و هشتم هجری به ساختمان سفال و کاشی در کاشان مشغول بودند برای تزیین کاشی و سفالینه‌ها از اشعار فارسی و گاهی عربی بهره می‌جستند. کفی‌هنگی شعر که اغلب رباعیات فارسی بودند در میزان شناسایی آثار «سیک کاشان» که نقطه اوج سفالینه‌ها زرین فام محصول می‌شود و از تاریخ ۵۹۵ تا ۱۶ میلادی (حملة مغول) تاریخ گذاری شده است، هستند. اشعار فارسی در سبک کاشان سهم بیشتری از تزیینات را به خود اختصاص داده اند و غالباً در دویار متعدد‌تری نقطه مایه اصلی را اخاطه کرده و با خط نسخ شکسته با لعاب روزی ظرف نوشته شده یا بر لعاب ظرف خراشیده شده اند.
باترین قسمت اعظم اشکالی که بر سفاله‌ها نوشتیده شده «برای» است وی از انواع دیگر شعر فارسی، مانند غزل، مبهم، شکوایات، و قطعه‌ای از اشعار فردوسی (منتوی) نیز استفاده شده است. قوجانی موفق به خوادن ۶۰۰ ربعان، غزل و انواع دیگر شعر کاشی و سفاله‌ها است. اما از آن جا که سفالگران به معنای ربعانی و اشعار توجه داشته‌اند، برای ذکر نام شاعران ضرورت حس نکرده اند. اشعار فارسی روز این سفاله‌ها و کاشی‌ها متعلق به شاعران نامدار و بعضاً گنیم فارسی‌زبان است. تا به حال اشعار حدود ۱۰۰ شاعر که شعرشان روز کاشی و سفاله‌نشین‌ها شده، شاملی‌شده است. از جمله شاعرانی که اشعاری از آن‌ها روی کاشی و سفاله‌ها است. می‌توان از بابا افضل کاشیان (با بیشترین تعداد ربعانی)، عمر خیام، مولوی، اوری، فردوسی، سنایی، جمال الدین علی‌زاری، و کمال‌الدین اصفهانی نام برده (قوجانی، ۱۳۷۳:۳۲).

امین مشایخی‌زاده، اجتماعی، انتقادی، علاقه‌مند، و حکیمانه است و با خصوصی‌نور «نخش شکستن و تعیق» بر سفاله‌ها نقش بسته و این امر موجب حفظ اشعار اصلی فارسی تا به امروز شده اند. اشعار منفوع بر سفاله‌ها به علت عدم تحريك از آن دوره تا به امروز قابل مقایسه با اشعار نسخ خطی و چاپی اند. یکی از این نسخه‌ها کتاب ترجمهٔ انجام‌شده در انتقال‌ای که مجموعهای، است. این‌راز ایرانی از قرن پنجم تا هفتم هجری و توسط «جمال‌الدین خلیل شروانی» گردآوری شده است. همچنین با توجه به این که قسمت اعظم سفاله‌ها تاریخ ساخت مشخص دارند، می‌توان بر اساس آن‌ها به بررسی صحبت انتساب اشعاری که در دیوان شاعران مختلف آن‌ها برداخت.

به طور مثال تصویر ۳ بشقاب زرین‌فامی است که در اولین قرن هفتم هجری در کاشان ساخته شده و امروزه در موزه متروپولیت، نیویورک نگهداری می‌شود. بر حاشیهاین بشقاب بیت اول این ربعان نوشته شده است:

مقصود بیافته هر چه با چکار باشیت
گل بی‌ب ۷ آن یافته که با خار باشیت.

شاد است هر آن که با چم یار باشیت
مه‌نورد بدان گرفته کر شب نرم‌ست.

این ربعان هم منسوب به «مولانا» است و هم منسوب به «صدرالدین خنجدی». اما از آنجا که مولانا در سال ۴۵۰ میلادی شده و این ربعان بر بشقاب زرین‌فامی دیگری به تاریخ ۹۱۹ هجری نگاشته شده است، این ربعان نمی‌تواند سروده مولانا باشد. این در حالی است که صدرالدین خنجدی متفق به سال ۳۲۳ هجری است و می‌توان انتساب ربعانی به او را درست پنداشت.
تصویر 3. بشقاب زرین فام کاشان از اواخر قرن هفتم هجری در موزه متروپولیتن نیویورک (マخذ: www.metmuseum.org).

رباعی منقوش بر این بشقاب و اکثر رباعیات منقوش بر سفالینه‌ها عاشقانه‌اند و از دوره و فراق و ظلم و جور معشوق و زیبایی او حکایت دارند. به طور کلی «صدو رباعی را می‌توان دید که همگی درباره یک مضمونی واحد، یعنی عشق رنگ‌آور سروده شده اند» (واتسون، 1390: 210).

رباعی به علت کوتاهی و سادگی، قابل مناسبی برای داده‌گویی و بیان جذبی و وحش و الهام عارفان بوده است. همچنین به علت سهولت در میان مردم دهان به دهان می‌گشت و موضوعات مختلفی را شامل می‌شده است. پیشرفت آمد که با توجه به رواج تصوف در میان تمامی افراد جامعه و آشناي سفالگران با مفاهیم عرفانی، تمام منقوش و اشعار منقوش بر سفالینه‌ها تمثیلی و درخور تعبیری صوفیانه‌اند. عشق و سرموئی انسان در تصوف، مظهری از عشق الهی و سرموئی معنوی است و هجران عاشق و آزار وی (موضوع عدّة رباعیات منقوش بر سفالینه‌ها) تمثیل از هجران عرفانی از الهیت محسوب می‌شود.

تصویر 3 متعلق به بشقاب زرین فامی است که در سال ٣٨٠ مدعی صاحب‌شده و به لحاظ نقش و شعر و اهدافه استثنایی است. عدّة نقش روى این بشقاب را اولین دیار خسرو از شیرین دانسته اند. اما از آن جا که شیرین در شمال نگاری ایرانی نمی‌توانسته کاملاً عربان باشد، برخی محققان
تفسیری عارفانه از نقش این بشقاب به دست داده اند. گست و اینیگهاوزن ماهی از آن را به منزله وجدت عارف با خدا و استغراق وی در رحمت به‌پایان الیه و زن را مظهر زمینی جمال الهی دانسته اند، اسب و همراهان، نماد دلیستگی‌های خاکی اند و جوان در آرامش و جستجوی عارفانه خود آن هرا را طرد می‌کند (هماهن، ۱۱۹).
روایتی این بشقاب و پشت آن اشعار بسیاری نوشته شده است که یکی از این اشعار «ملمعی» منسوب به مولانا است. اما با توجه به این که مولانا در زمان ساخت این اثر ۳ ساله بوده، این انتساب نادرست است. متن کامل ملمع روی چند ظرف دیگر که در اواخر قرن هفتم هجری ساخته شده نیز آمد است:

ان دایی و صحبتی بین یدیک
قبله لو روزت همیشگی
قمر صحیح هنار داشت علیک
آه و المستفان منک الکیک

(قوجانی، ۱۳۷۳:۲۵).

کتابی روا بشقاب نشان می‌دهد که این ظرف به امیر گمنامی اهدا شده است و از آن جایی که این ظرف جزو محدود ظروف زرین فام دراای اهدایه‌ام است و به فرد فارسی از جامعه تعلق داشته، به جای قالب رایج رنگ‌اندازی از قالب ملمع که شعر «دیوانی» محصول می‌شود و پتامینی برگرفته از آیات، احادیث، امثال و اشعار عربی، اصطلاحات و دانش‌های گوناگون دارد، در تزیین بشقاب استفاده شده است.

تصویر ۴. بشقاب زرین فام کاشان متعلق به سال ۱۳۰۷ق در فریب کالیری (مأخذ: www.asia.si.edu).
سالینه‌های زرین‌فام سبک کاشان به مثابه اوراق دفتر شعر، در برگردنده اشعار مختلفی بر درون و بیرون خود هستند. تصویر 5 کاسه زرین‌فامی با نقش غزال از اوایل قرن هفتم هجری است. بر حاشیه کاسه دو ربعی تراشیده شده است:
دل در سر زلفت هم گماحی دید
بشتیب اگر زنده همی خواهی دید
همواره روی دو ول و عز افزون باد
آی صدر جهان روآ به جان افزون باد
(قوجانی، ۱۳۶۴: ۳۴.)

رباعی دوم عاشقانه و رباعی دوم دعایی برای صاحب اثر است. رباعی دوم بر بسیاری از ظروف این دوره نقش شده و با تغییر کلمه کاسه به طاس، قدح، سبو، طبق، جام، صراعی و خروس تاسیب با کاربرد اثر را برقرار ساخته اند. علاوه بر این در چهار قسمت درون ظرف یک رباعی از جمال الادین اشپره، یک عبارت دعایی و امضای سفالگر نقش شده است:
رنگ از رخ تو لاله عمان گیرد/ طوطی ز دو لعلت
شكر ابیان گیرد/ ماه شب چهارده ز رشک رخ تو
انگشت حسد در سر دندان گیرد/ برکه لصاحی
کاتبه محمد بن محمد الیشابوری لمقیم بقاسان» (نگارنده).

تصویر ۵ کاسه زرین‌فام کاشان متعلق به اوایل قرن هفتم هجری در موزه ویکتوریا و آلبرت، لندن (Collection.vam.ac.uk).
چنان‌که ملاحظه می‌شود مصرف‌ها پشت هم نیم‌اند اند بلکه چهار مصرف به‌همراه عبارت دعای «برکت لصاحبه» [که بر بسیاری از ظروف کاشان قابل مشاهده است] در سه سطر و امضای سفالگر در سطر چهارم آمده است. چنان‌که در چهل سال پیش از این که حیات زندگی یازدهمین قرن هجری برای تصور هنرمندان کافی بود از این رابطه با اصل زبانی شامل شناسی بیکردهای منقوش بر سفال‌های این دوره به صورت‌های چون قرص ماه داشتند، طایفه‌داری تصور ۶ نیز کاسه‌های ذینفری، فرم‌گیری از اواخر قرن هفتم هنری است که دارای تزینات گیاهی و کتیبه‌های ایستاده همچون نمونه قبی در حاشیه کاسه و روای با مضمون عاشقانه، بدون فاصله و پشت هم خارشیده شده است:

شادان نبود هر که به غرم نبست
دیدم که به پای عشق گامی هم نبست

پر اشک دو دیده ستم دیده من
آب از دهن مردمک دیده من

داهن که قریست ای پسندیده من
می‌بگش‌اید ز آزوزی لب تو

(قوچانی، ۱۳۵۶: ۳۲.)

رباعی‌های همواره هم منسوب به شیخ «مجدالدین بغدادی» است و هم منسوب به «رضی‌الدین نیشابوری» که هر دو از شاعران همان دوره بوده اند. در ادامه، این دو رباعی تکبیری آمده که همان اولین شعر فارسی منقوش بر سفال بود و به هرچگونه پش‌خوردگی این:

در چهار قسمت داخل کاسه یک رباعی و یک بیت که هر دو مضمون حکایت دارد نوشته شده است:

زان بر سر تو می‌وت همی‌برناید
بر دیده اگر موت‌های نرودت شاید
به‌هی از در [و گوهر] به خرورها

(همان، ۳۴.)

بستی و فرزبد
زاده چوب
جانعل
شناسي حافظه جمعي جنگ ايران و عراق
دكتر حسن ذوالفقاري

مراتب زبانی مصور در سفال‌های قرون ۶ و ۷ هجری | سه‌راوی نسیآبادی و حیدری
رباعی منسوب به «اتسز خوارزمشاه» مؤسس سلسله خوارزمشاهیان و دربارة دیر و «رشیدالدین وطواط» است و تکمیل منسوب به «بووشکور بلخی» است که به دو زبان فارسی و عربی شعر می‌سروده است.

تصویر ۶ کاسه زرین فام کاشان متعلق به اوایل قرن هفتم هجری در مجموعه ریموند ادس در لندن (مأخذ: واتسون، ۱۳۹۰: ۱۲۴).

نمونه دیگر (تصویر ۷) بشقاب زرین فام با نقش شاهزاده‌ای سوار بر اسب در حال پایین چوگان است که در سال ۱۳۳۴ میلادی ساخته شده است. رباعی اول کف بشقاب از «افضال الدین کاشانی» است که مضمونی انتقادی، اجتماعی دارد:

وژ دیده به جز گهر فشن می‌یابی
در آرزوی دمی خوشم نا که زیم

(همان، ۲۸).

همانطور که پیشتر اشاره شد بیشترین رباعیات منقوش بر سفالنیهای اواخر قرن ششم و اوایل قرن هفتم هجری از «افضال الدین کاشانی» است که شاید بسب آن سکونت آن در شهر کاشان بوده است.

رباعی دوم کف بشقاب رباعی دیگری از جمال الدين اشهوری است:

مردن ز غم عشق نه مردانگیس
کو آن همه عقل این چه دیوانگیس

(همان، ۲۸).
روی لبه داخلي بشقاب نيز دو ربعي و تاريخ ساخت بشقاب آمده است:
آرزوی چنان که با تو عارم آيد گفتین
من روح گذازم و تو... عشوهدهی
در پاي شتر ز ديده در مي كردم
هر گرده كه بر سر شتر مي كردم
من باز به آب ديده پر مي كردم»

(همان، 38).
رباعي دوم از "مهمستی" يكي از نامدارترين شاعران زن ايرانی است. اشعار وی به علت ابتکار در موضوعات از جمله وصف صاحبان پيشه های گوناگون و سرگرمی هاي مختلف مردم روزگار خوشن نشان دهنده اوضاع جامعه خوشن و پيشرو نوع خاصی از شعر است که بعدها «شهرآشوب" نام گرفت.
دو رباعي ديگر نيز بر لبه بیروني ظرف نقش شده كه هر دو مضمونی عاشقانه دارند:
"گرم كه صبا زلف تو در ناب كشيد
زنگي به چه بر کنار گلزار تو كيست
درد دل خوشنشن بهگم به کس
عادت نبود مرا که از روی هوس
با اين همه یک سخن بخواهم گفتین
در عشق تو مرد[ام] به فریادم رس"

(همان، 38).
وجود شش رباعي تينا بر روی یک ظرف خود گواه حضور شعر در تمام ابعاد زندگي مردم در قرون وشم و هفتم هجري است.

(Collection.vam.ac.uk)
لازم به ذكر است که هر چند اشعار فارسی معیار شناسایی ظروف زرین فام سکی کاشان اند، اما اشعار فارسی بر دیگر ظروف سفالیان چون ظروف مشبک، نقاشی شده زیر لعاب، و مینایی نیز جا گرفته اند.

تصویر 8 متعلق به کاسه‌ای مینایی از همان دوران است که منقوش به شعری از او سعید ایبه‌الخیر عارف نامی قرن چهارم هجری است:

«با گردش چرخ کار یکسان مطلب
آزار دل هیچ مسلمان مطلب»

(Watson, 2004: 369.)
بررسی نمونه‌های ذکر شده نشان داد که در قرون ششم و هفتم هجری قمری حضور ادبیات فارسی در سطح اجتماع به حداکثر بوده است که سفالینه‌های این دوران به مثابه دفتری برای نگارش شعر بوده اند و نقش محوری و مهمی در جلوه‌بندی و زبانی ظروف نیز داشته اند. این کتیبه‌ها در کتاب‌های ناصری کتاب‌خوانی برای نکش‌ها در جلد بزرگی از زبانی ظروف دخالت دارند. بلکه به لحاظ در بر داشتن معنایی، "زبانی معنی" خلق کرده اند و از این طریق به عنوان یک اثر هنری و الک موجب پالاوش روح کاربران نیز می‌شده اند. از این جهت به تغییر "هگله"، یا این ظروف صورت‌هایی مثابه که "ایده متعالی" را عینیت بخشیده اند، این امر از پرتو وجود اشعار عرفانی و متون پرمعنا و محققاً تحقق یافته است.

تنوع متون نگاشته شده بر این سفالینه‌ها از آیات و احادیث و ادعیه و روایات و داستان تا رباعی، قصیده، ملصق، و... تشکل داره‌ای یادبود و رواج شیوه‌های ادبی در آن دوران و خروج ادبیات از دنیا و حضور فراگیر آن در سطح اجتماع است، که خود حاکی از ارتباط اندیشه فلسفی و انديشمندان و عرفان و عجوا با مردم است؛ به گونه‌ای که در زندگی روزمره، در هر روز و هر جا و یکی از ارتباط وجود داشته است.

نکته‌ای دیگری که می‌توان از بررسی این سفالینه‌ها دریافت، پیشی گرفتند زبان فارسی بر زبان عربی و در مواردی حضور هر دو زبان بر ظروف بوده است. نگارش این کلمات فارسی و عربی با استفاده از هنر خوشنویسی اسلامی، به لحاظ زبانی سنتی از تناسب خط با متن بهره‌مند شده است، که البته ترکب مناسب آن با دیگر نقوش مدرن بر ظروف، بر این امر افزوده است. می‌توان گفت در قرون یاده‌ای سفالگران تمامی امکانات هنری، از جمله ادبیات، تکنیک‌های مختلف سفال و عباب، به خصوص زرین فام (به مثابه زمینه نوشتار) و خوشنویسی را به کار گرفته اند تا معلول بین مردم نفوذ گرده و رواج پاید.

دستاوردهای یک بررسی، مقایسه تاریخ مدرن بر ظروف با تاریخ حیات سراپیده اشعار منقوش بر ظروف است. به گواه تاریخ تبیشته بر ظروف، می‌توان در انساس برخی اشعار به شاعران ترکی را چنان که در مورد شعر ملیع مصوب به مولانا ملاحظه کرد.
پی نوشته‌ها

1. عبدالله قوچانی زیا‌وهوشگر گرانقدری است که از سال 1356 به بازخوانی کتب‌های منتقوش بر سفالی‌های پرداخته و به حفظ میراث زبانی ایران کمک شاخصی کرده است.

2. نجخا ساخت بندگی "خمیر سنگی" و ساخت هنر و لعاب‌های مختلف دورة سلجوقیان در رساله عربی الجوهر و تفایل/الاطلب به قلم ابوالقاسم بن علی بن محمد بن ابوطاهر، چهارمین نسل از خانواده مشهور سفارکر و کاشی‌ساز کاشان نوشته شده به سال 1390 آمده است.

3. لعاب مینابی نقاشی با رنگ‌های بالی کروم‌سافت، در زمینه، دو تهرانی، سه سفید (روی سیاه)، خاکستری مایل به سبز و طالابی است که بر زمینه سفید مات با فیروزهایی به کار می‌رود.

4. تکنیک زردی فرشه در سفالگری سلسه‌ای فاطمیان در مصر داشته‌ایم اما در ایران و در دوره سلجوقیان به نهایت کمال رسیده است. این لعاب جمله فلزی خاص و تالوی طلایی‌تره.

5. The David Collection
6. Metropolitan Museum

7. البور وانسن سفالی‌های زرین‌فام را با توجه به سبک نقش‌برداری سه سبک درشت‌نشق، رنگ‌تخت و کاشان ترمیم‌بندی کرده است که به سبک اول متعلق به ری و سبک سوم متعلق به کاشان است.

8. Guest
9. Ettinghausen
10. Freer Gallery

11. در گذشته نوعی صرحا که در آن شیوه به سر جهاد خروش داشته‌ایم را خروش می‌نامیدند، این شکل ریشه در ظروف نقره ساسانی و چندی‌های دوره تانگ و سنگ‌کار در چین داشته و دارای معنای نمادین است. این ظروف در بسیاری از اشعار قارسی کهن با همین نام خروس به کار رفته‌اند.

12. Victoria and Albert Museum
13. Raymond Ades Collection

کتابنامه

巴وزر، کیلوفر/ادموند و همکاران، (1951). سلجوقیان، ترجمه به‌ع quyết آذر. ج. 2. تهران: مولی.

رجایی، محمدعلی و حسام الدین ابراهیم، (1369). "اساسی سفال‌های لعابی در اشعار قارسی". در کتاب جهارم گنجینه فرهنگستان هنر، ج. 1. ویراسته عباس رکی، تهران: مؤسسه تأليف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ص 197-246.

روحفر، سهیله و جواد نیستاشی، (1388). "طرح‌ها و نقش‌های قرون مباین اسلامی در سفالی‌های زرین فام کاشان". در کتاب اول گنجینه فرهنگستان هنر، ج. 1. ویراسته ناصر رحیمی، تهران: مؤسسہ تأليف، ترجمه و نشر آثار هنری (متن)، ص 36-107.

صفا، ذیح الله، (1347). تاریخ علوم و ادبیات ایرانی، ج. 1. تهران: ابن سينا.

صفا، ذیح الله، (1367). تاریخ ادبیات در ایران، ج. 2. تهران: فردوس.
قامتین، فزانه. (۱۳۸۰). سفالینه‌های مینایی. ج. ۱. تهران: معاونت معرفی آموزش، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی (سازمان میراث فرهنگی).

قامتین، فزانه. (۱۳۸۳). موزه ایوانیه و سفالینه‌های ایران. ج. ۱. تهران: سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه)، معاونت معرفی و آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی.


قوجانی، عبادالله. (۱۳۷۱). سفالینه‌های زرین قام و نقاشی شده زیر لعاب. در مجله باستان‌شناسی و تاریخ، سال اول، ش. ۲۱۴- ۲۰۲.


نیکخواه، حامیه و محمد خزایی و غلامعلی حامیت و جواد نیستبافی (۱۳۹۰). ظارتک بک‌پزیدا. اجتماعی بر سفال‌های زرین قام دوئه سلجوقیان، یپداءس طبقه‌تود و مردمی شدن هنر. در مجله مطالعات تاریخی فرهنگی. سال سوم، ش. ۳۰۷- ۲۷۵.

واشنگتون، الیور. (۱۳۹۰). سفال‌های زرین قام ایرانی. شکوه‌های اثرات و جنگ ایران و عراق. نشانههای جمعی جنگ. آزادی و حرمی. ج. ۱. تهران: میراث زنایی مصور در سفالینه‌های فرون ۶ و ۷ هجری.


Collection.vam.ac.uk
www.asia.si.edu/collections
www.davidmus.dk
www.metmuseum.org
نشانه شناسی حافظه جمعی‌جنگ ایران و عزاق